



انجمن علمی گردشگری ایران

ارتقای جایگاه سوزن‌دوزی بلوچ بر مبنای ماتریس گردشگری فرهنگی مک کرچر - دو کراس و مدل فیلیپس

مانده جلالی^۱، مریم مونسى سُرخه^۲

DOI:10.22034/jtd.2026.541897.3115

چکیده

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۵/۲۸

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۵/۱۸

سوزن‌دوزی بلوچ، از نمادهای هویتی زنان جنوب شرق ایران، تلفیقی از زیبایی و میراث معنوی و توانمندی‌های فرهنگی است که در دهه‌های اخیر با چالش‌هایی چون گسست تولید سنتی از بازار مدرن و فقدان سیاست‌گذاری مؤثر در معرفی و توسعه مواجه بوده است. هدف از این پژوهش تبیین ظرفیت‌های ارتقای جایگاه این هنر در بستر گردشگری فرهنگی با اتکا به ماتریس گردشگری فرهنگی مک کرچر-دو کراس و مدل فیلیپس است. پژوهش در پی پاسخ به این پرسش است که تلفیق این دو چارچوب از دیدگاه نظری چه دلالت‌هایی برای ارتقای جایگاه سوزن‌دوزی بلوچ و تقویت ظرفیت بالقوه جذب گردشگر فرهنگی دارد. روش پژوهش تحلیلی-توصیفی با رویکرد نظری-مفهومی است. داده‌ها به شیوه اسنادی و با استفاده از مقالات علمی، کتاب‌ها و گزارش‌ها/اسناد نهادی مرتبط با گردشگری فرهنگی و میراث ناملموس (از جمله گزارش‌های سازمان جهانی گردشگری و یونسکو) گردآوری شده است؛ از این رو پژوهش ادعایی درباره آزمون تجربی یا تعمیم آماری نتایج ندارد. تحلیل نظری چنین نشان می‌دهد: (۱) مشارکت چندبازیگری با پیوند ظرفیت‌های گروه‌های مختلف می‌تواند زمینه‌ساز تصمیم‌گیری و اقدام هماهنگ در توسعه میراث فرهنگی باشد. (۲) حکمرانی چندسطحی با همسویی سیاست‌ها در سطوح مختلف می‌تواند پیوستگی میان تولید بومی و عرضه ملی و بین‌المللی را تقویت کند. (۳) پیوند توسعه پایدار با تنوع‌بخشی و بهینه‌سازی زنجیره تأمین می‌تواند به پایداری درآمد تولیدکننده و کاهش هزینه‌های مصرف‌کننده کمک کند. (۴) چشم‌اندازهای فرهنگی زنده، با تأکید بر تجربه‌محوری، سوزن‌دوزی را از نمایشی ایستا به کنشی پویا تبدیل می‌کند و از طریق روایتگری فرهنگی، طراحی مشارکتی، بازارپایی دیجیتال و مشارکت محلی می‌تواند زمینه‌ساز ارتقا و پایداری آن باشد.

واژه‌های کلیدی:

سوزن‌دوزی بلوچ، گردشگری فرهنگی، مک کرچر-دو کراس، فیلیپس.

مقدمه

در زیست‌بوم و اسطوره‌ها، طی نسل‌ها شفاهی و تجربی انتقال یافته است. با وجود چنین پشتوانه‌ای، سوزن‌دوزی بلوچ در نسبت با گردشگری فرهنگی کشور هنوز جایگاه شایسته‌ای نیافته و با موانعی مانند ضعف معرفی و روایت‌پردازی، فاصله میان تولید سنتی و بازار

سوزن‌دوزی بلوچ از برجسته‌ترین هنرهای سنتی جنوب شرق ایران و از نشانگان هویت تاریخی و فرهنگی قوم بلوچ به شمار می‌رود. این میراث ناملموس، با نقوش هندسی، گیاهی، انسانی و حیوانی ریشه‌دار

M.Jalali@student.alzahra.ac.ir

۱. کارشناسی ارشد طراحی پارچه و لباس، دانشکده هنر، دانشگاه الزهراء، تهران، ایران (نویسنده مسئول):

ORCID: 0009-0001-0782-1894

۲. عضو هیئت علمی گروه طراحی پارچه و لباس، دانشکده هنر، دانشگاه الزهراء، تهران، ایران

ORCID: 0000-0002-2803-7759



گردشگری، و نبود سازوکارهای پایدار در زنجیره ارزش روبه‌رو است (Keshavarz & Javadi, 2019, p. 5; Avishi et al., 2023, pp. 75-77). در عین حال، سیستم و بلوچستان ظرفیت شکل‌گیری تجربه‌های گردشگری فرهنگی را دارد و سوزن‌دوزی بلوچ می‌تواند به مثابه یکی از عناصر تجربه‌ساز در این حوزه ایفای نقش کند (Khazaei & Mounesi-Sorkheh, 2024, p. 14). مرور ادبیات داخلی حاکی از آن است که پژوهش‌های موجود، هرچند به ارزش‌های فرهنگی-زیبایی‌شناختی و نیز کارکردهای اقتصادی-اجتماعی سوزن‌دوزی بلوچ پرداخته‌اند، اما غالباً دو سطح را یکپارچه صورت‌بندی نکرده‌اند: نخست، «جایگاه‌یابی آن در تجربه گردشگری فرهنگی» از حیث ارزش فرهنگی و جذابیت بازار؛ دوم، «الزامات نهادی و اجتماعی تحقق و پایداری» این جایگاه به‌ویژه در قالب حکمرانی، حفاظت و شیوه ارائه میراث زنده است. از همین رو، بحث ارتقای جایگاه اغلب به توصیه‌های کلی محدود می‌ماند و کمتر به مدلی تکیه دارد که پیوند میان تجربه گردشگری و سازوکارهای ارائه و پایداری را توضیح دهد. این شکاف تا حدی ناشی از دو پارگی رایج میان سنت‌های پژوهشی و سیاستی است: از یک سو، چارچوب‌های گردشگری فرهنگی عمدتاً تجربه/بازارمحورند و از سوی دیگر، چارچوب‌های میراث بیشتر بر اصالت و مشارکت و حکمرانی چندسطحی تأکید دارند؛ در نتیجه، تلفیق این دو نگاه به‌ویژه در سطح اجرا کمتر به‌صورت منسجم دنبال شده است. این پژوهش، برای پر کردن این خلأ، دو چارچوب مکمل را به‌صورت تلفیقی به کار می‌گیرد: ماتریس گردشگری فرهنگی مک‌کرچر-دو کراس (2002) و پارادایم نوین آدریان فیلیپس (2003). ماتریس مک‌کرچر-دو کراس، با چهار وضعیت حداقلی، بازارمحور، ایدئولوژیک و نمادین، امکان تعیین «موقعیت و مسیر ارتقا» را بر اساس دو محور ارزش فرهنگی و جذابیت/بازار گردشگری فراهم می‌کند (McKercher & du Cros, 2002). با این حال، این ماتریس به‌تأیید الزامات نهادی-اجتماعی تحقق و پایداری مسیر ارتقا را توضیح نمی‌دهد. در این نقطه، مدل فیلیپس، با تأکید بر مشارکت چندبازگویی، حکمرانی چندسطحی و پیوند حفاظت با توسعه پایدار، چارچوبی برای تبیین «الزامات تحقق و پایداری» ارائه می‌کند (Phillips, 2003). بر این اساس، منطق تلفیق روشن است: مک‌کرچر-دو کراس «کجا هستیم و به کجا می‌توانیم برویم» را در سطح تجربه گردشگری صورت‌بندی می‌کند و فیلیپس «چگونه این حرکت

به‌صورت اصیل و پایدار ممکن می‌شود» را در سطح حکمرانی و ارائه میراث تفسیر می‌نماید. نوآوری مقاله ارائه منطق دوسطحی است که خروجی جایگاه‌یابی در ماتریس را به الزامات حکمرانی/حفاظت و شیوه ارائه در چارچوب فیلیپس ترجمه می‌کند. هدف مقاله تبیین نظری-مفهومی ظرفیت‌های بازتعریف و ارتقای جایگاه سوزن‌دوزی بلوچ در گردشگری فرهنگی و استخراج دلالت‌های حکمرانی، حفاظت و پایداری است. پرسش پژوهش آن است که تلفیق این دو چارچوب چه دلالت‌هایی برای تعیین جایگاه سوزن‌دوزی بلوچ در تجربه گردشگری فرهنگی و صورت‌بندی الزامات تحقق و تداوم آن ارائه می‌کند. پژوهش مروری-تحلیلی با رویکرد کیفی است و داده‌ها از طریق تحلیل اسنادی گردآوری و به‌صورت تحلیل مفهومی تفسیر شده‌اند؛ از این رو، ادعایی درباره آزمون تجربی با تعمیم آماری نتایج ندارد.

پیشینه پژوهشی

سازمان جهانی گردشگری^۱ (2024) در گزارش «مد، خلاقیت و گردشگری فرهنگی»، بر اهمیت مشارکت محلی، اصالت فرهنگی و تجربه منحصر به فرد گردشگر تأکید دارد. همچنین، در گزارش پیشین این سازمان (UNWTO, 2012)، «گردشگری و میراث فرهنگی ناملموس»، تأکید شده است که احیای صنایع دستی، مشارکت فعال جامعه و حفظ اصالت فرهنگی از ارکان کلیدی توسعه گردشگری پایدارند. مهاجر و همکاران (2024)، در مقاله «بررسی اثر توانمندسازی جامعه محلی بر توسعه گردشگری میراث در سایت جهانی منظر فرهنگی هورامان»، با رویکرد میدانی نشان دادند که عواملی چون آموزش، مشارکت اجتماعی و تقویت حس تعلق فرهنگی می‌تواند با توسعه پایدار گردشگری ارتباط معنا دار داشته باشد. آویشی و همکاران (2023)، در مقاله «نقش صنایع دستی بر میزان اشتغال‌زایی بانوان بلوچ و پیشرفت اقتصاد منطقه (مطالعه موردی: سوزن‌دوزی شهرستان ایرانشهر)»، نشان دادند که سوزن‌دوزی فعالیت فرهنگی و ابزاری مؤثر برای تقویت اقتصاد محلی و ارتقای جایگاه اجتماعی زنان است. همچنین، میرزایی و مافی تبار (2023)، در مقاله «تحلیل و طبقه‌بندی موضوعی انواع نقش در سوزن‌دوزی بلوچ بر اساس اسلوب هنرهای سنتی»، با دسته‌بندی نقش‌های رایج در چهار گروه هندسی، گیاهی، حیوانی و اعتقادی، به ارتباط

1. UNWTO: United Nations World Tourism Organization



برخی از دیدگاه‌ها آن را همچون ابزاری اقتصادی برای توسعه و جذب بازدیدکننده می‌بینند (Goodrich, 1997)، درحالی‌که سایر رویکردها بیشتر بر پیوند افراد، فضاها و هویت فرهنگی تأکید دارند (Hall & Seyfi, 2020). از منظر مدیریتی نیز، گردشگری فرهنگی در حال گسترش است. نظریه ماتریس گردشگری فرهنگی را برایان مک‌کرچر و هیلاری دو کراس ارائه داده‌اند، که یکی از چارچوب‌های تحلیلی مهم در مطالعات گردشگری فرهنگی است. ترکیب تجربه علمی و اجرایی آن‌ها موجب طراحی مدلی میان‌رشته‌ای و جامع شده است که هم نگرش اقتصادی-بازاری گردشگری و هم رویکرد حفاظتی-فرهنگی مدیریت میراث را در بر می‌گیرد (McKercher & du Cros, 2002, p. 8). در این زمینه، این دو نظریه‌پرداز در کتاب گردشگری فرهنگی: همکاری میان گردشگری و مدیریت میراث فرهنگی نظریه‌ای با عنوان ماتریس گردشگری فرهنگی ارائه کردند (McKercher & du Cros, 2002, p. 9)، که بر دو محور تمرکز دارد: نخست، میزان اهمیتی که هر عنصر از منظر فرهنگی دارد؛ دوم، سطح مشارکت گردشگر. بر اساس این ترکیب، چهار موقعیت فرهنگی در ماتریس تعریف می‌شود (جدول ۱).

جدول ۱: چهار وضعیت تحلیلی بر اساس دو محور: «ارزش فرهنگی» و «جاذبه گردشگری» (McKercher & du Cros, 2002)

جاذبه گردشگری زیاد	جاذبه گردشگری کم	
نمادین (Symbolic)	ایدئولوژیک (Ideological)	ارزش فرهنگی زیاد
بازارمحور (Market-driven)	حداقلی (Minimal)	ارزش فرهنگی کم

✓ نمادین: ارزش فرهنگی زیاد/ جاذبه گردشگری زیاد: در این وضعیت، عنصر فرهنگی ریشه‌ای عمیق در جامعه میزبان دارد و هم‌زمان برای گردشگران جذابیت فراوانی ایجاد می‌کند؛ به بیان دیگر، این عنصر به‌عنوان «میراث هویتی» جامعه میزبان و «نماد گردشگری» مقصد عمل می‌کند. چنین عناصری معمولاً در فهرست‌های ملی یا جهانی ثبت می‌شوند، در راهبردهای برندسازی مقصد به کار می‌روند و روایت چندزبانه دارند؛ ازاین‌رو، گردشگر

مستقیم این نمادها با باورهای زیست‌بومی زنان بلوچ پرداخته‌اند. اسمیت^۱ (2020)، در مقاله «نقش گردشگری فرهنگی در حمایت از صنایع دستی سنتی در جوامع روستایی»، بر نقش کلیدی جامعه میزبان، احیای شیوه‌های سنتی و تقویت اقتصاد زنان در فرایند توسعه گردشگری تأکید کرده است. کشاورز و جوادی (2019)، در مقاله «انتزاع نمادین در زیبایی‌شناسی هنر بلوچستان؛ نمونه موردی: سوزن‌دوزی بلوچ»، با رویکرد نشانه‌شناختی، به تحلیل مفاهیم پنهان در طرح‌ها و نقوش سنتی سوزن‌دوزی پرداختند، که بازتاب‌دهنده نمادهای قومی و تاریخی است. احمدی امین و همکاران (2015) نیز، در مقاله «نقش صنایع دستی زنان بلوچ در توسعه گردشگری روستایی (مطالعه موردی: بخش نوک‌آباد شهرستان خاش)»، به‌صورت میدانی نشان دادند که فعالیت‌های تولیدی زنان در حوزه صنایع دستی سنتی عاملی مهم در ایجاد اشتغال و جذب گردشگر در نواحی روستایی است. بررسی پژوهش‌های پیشین نشان می‌دهد که بخش قابل توجهی از پژوهش‌های سوزن‌دوزی بلوچ بر ابعاد فرهنگی-هنری آن (نقش مایه‌ها، معنا و هویت) تمرکز داشته‌اند و در مقابل، شماری دیگر پیامدهای اقتصادی-اجتماعی، توانمندسازی و ظرفیت پیوند آن با گردشگری و بازار را برجسته کرده‌اند. با وجود این، تحلیل‌ها غالباً در یکی از این دو حوزه متوقف مانده‌اند و کمتر به صورت‌بندی مسیرهای ارتقای جایگاه این هنر در گردشگری فرهنگی پرداخته‌اند؛ ازاین‌رو، این پژوهش با اتکا به این دو دسته مطالعات چارچوب نظری و جهت‌گیری تحلیلی خود را برای تبیین مسیرهای ارتقای جایگاه سوزن‌دوزی بلوچ در گردشگری فرهنگی هدایت می‌کند.

نظریه ماتریس گردشگری فرهنگی مک‌کرچر-دو کراس^۲

در سال‌های اخیر، گردشگری فرهنگی به یکی از محورهای مهم پژوهش‌های دانشگاهی، برنامه‌ریزی‌های فرهنگی و سیاست‌گذاری میراث تبدیل شده است. این نوع گردشگری به سفرهای کوتاه‌مدتی گفته می‌شود که هدف اصلی آن به‌دست‌آوردن تجربه و آشنایی با فرهنگ، تاریخ، آیین‌ها یا باورهای معنوی یک منطقه است (Richards, 1996). در ادبیات علمی، تعاریف گوناگونی برای گردشگری فرهنگی ارائه شده است

1. Smith

2. Cultural Tourism Matrix Theory by McKercher & du Cros



می‌تواند پیوند عاطفی و شناختی با معناهای فرهنگی برقرار کند (McKercher & du Cros, 2002, p. 10).

✓ **ایدئولوژیک: ارزش فرهنگی زیاد/ جاذبه گردشگری کم:** عنصر فرهنگی در این حالت برای جامعه میزبان حامل معناهای هویتی، تاریخی یا سیاسی است، اما روایت جذاب یا دسترس‌پذیر برای گردشگران ندارد (Hall & Seyfi, 2020). چنین عناصر باارزشی بیشتر در مراسم بومی یا فضاهای رسمی دیده می‌شوند و به علت کمبود تفسیر چندزبانه و زیرساخت بازاریابی، کمتر انگیزه سفر ایجاد می‌کنند. نتیجه آن حفظ میراث بدون محرک اقتصادی است.

✓ **بازارمحور: ارزش فرهنگی کم/ جاذبه گردشگری زیاد:** در این حالت، عنصر فرهنگی به کالایی تجاری بدل شده که برای گردشگران جذاب است، اما پیوند خود را با خاستگاه معنایی از دست داده است. صنایع دستی یا آیین‌های بومی ممکن است به شکل سوغاتی تزئینی و با طرح‌های غیرسنتی تولید شوند که سودآور اما تهی از محتوا خواهد بود (Goodrich, 1997, p. 6). این سطح اگر بدون چارچوب کیفیت فرهنگی ادامه یابد، به تضعیف هویت بومی منتهی می‌شود.

✓ **حداقلی: ارزش فرهنگی کم/ جاذبه گردشگری کم:** در این وضعیت، نه اصالت فرهنگی برجسته‌ای باقی مانده است و نه جذابیتی برای گردشگر وجود دارد؛ عنصر در آستانه فراموشی است (McKercher & du Cros, 2002, p. 10). بازدیدکننده ممکن است شیئی یا مراسمی را گذرا ببیند و بی‌اهمیت رها کند (Hughes, 1996, p. 708). تداوم این وضعیت هم میراث را به زوال می‌کشاند و هم فرصت‌های اقتصادی و آموزشی جامعه میزبان را از بین می‌برد؛ احیا با مستندسازی و آموزش محلی نخستین گام خروج از این چرخه است (Zabulis et al., 2022). به‌طور کلی، نظریه چهارخانه‌ای مک‌کرچر-دو کراس چارچوبی تحلیلی و ساخت‌یافته ارائه می‌دهد که از طریق آن می‌توان موقعیت فعلی سوزن‌دوزی بلوچ را در تقاطع دو بُعد «ارزش فرهنگی» و «جاذبه گردشگری» بررسی کرد. این الگو با تبیین چهار وضعیت ماتریس امکان تدوین راهبردهای مرحله‌به‌مرحله را فراهم می‌آورد تا سوزن‌دوزی بلوچ از وضعیت «ایدئولوژیک» به سمت «نمادین» حرکت کند و هم‌زمان جذابیت گردشگری بیشتری بیابد. با این حال، ارتقای جایگاه صرفاً با تحلیل وضعیت تحقق نمی‌یابد و به مدیریت فرهنگی جامع‌تر، سیاست‌گذاری هماهنگ و روایتگری

مشارکتی نیاز دارد. از این‌رو، مدل فیلیپس می‌تواند مکمل مک‌کرچر-دو کراس باشد؛ زیرا، با تأکید بر هم‌گرایی نهادی، حکمرانی چندسطحی و مشارکت ذی‌نفعان، ظرفیت تحقق ارتقای پایدار در گردشگری فرهنگی را تقویت می‌کند.

مدل پارادایم فیلیپس

مدل پارادایم نوین حفاظت فیلیپس، که نخستین بار در سال ۲۰۰۳ در نشریه جورج رایت^۱ ارائه شد، بر چهار اصل کلیدی بنا شده است:

✓ **مشارکت چندبازگویی: فیلیپس^۲ (2003)** معتقد است که حفاظت پایدار و موفق تنها در صورتی تقویت می‌شود که گروه‌های متنوعی از کنشگران در فرایند برنامه‌ریزی، تصمیم‌گیری و اجرا مشارکت داشته باشند. این کنشگران دولت‌ها، جوامع محلی، سازمان‌های مردم‌نهاد، نهادهای دانشگاهی، بخش خصوصی و حتی بازدیدکنندگان و گردشگران هستند. چنین الگویی، با عبور از تمرکزگرایی مدیریتی، به ایجاد ساختارهای افقی و گفت‌وگومحور کمک می‌کند و می‌تواند زمینه‌ساز مشروعیت اجتماعی، بهبود اثربخشی، و انسجام در مدیریت منابع باشد (Phillips, 2003, pp. 13-14).

✓ **حکمرانی چندسطحی:** اصل دوم بر ضرورت حکمرانی چندسطحی تأکید دارد؛ ساختاری که در آن سیاست‌گذاری، مدیریت و نظارت به‌صورت هماهنگ در سطوح محلی، ملی و بین‌المللی انجام می‌شود. برخلاف رویکردهای سلسله‌مراتبی، این مدل با تقسیم مسئولیت‌ها و تعامل میان نهادهای مختلف امکان انطباق بهتر سیاست‌ها با زمینه‌های فرهنگی و بومی را فراهم می‌کند (Phillips, 2003, p. 21).

✓ **پیوند حفاظت با توسعه پایدار فرهنگی و معیشتی:** در چارچوب پارادایم نوین، حفاظت ابزاری برای ارتقای کیفیت زندگی، حفظ هویت فرهنگی، و پایداری معیشت محلی تلقی می‌شود، نه مانعی برای توسعه. فیلیپس تأکید دارد که هرگونه اقدام حفاظتی باید در خدمت تأمین منافع جوامع محلی و تقویت سرمایه‌های فرهنگی و اقتصادی آن‌ها باشد. این نگاه، به‌ویژه در مواجهه با میراث‌های زنده و ناملموس، فرصت‌هایی را برای بهره‌برداری پایدار و خلق ارزش افزوده فرهنگی ایجاد می‌کند (Phillips, 2003, pp. 20-22).

۱. The George Wright Forum؛ نشریه تخصصی در حوزه حفاظت از میراث

طبیعی و فرهنگی

۲. نظریه‌پرداز حوزه حفاظت محیط‌زیست و میراث فرهنگی.



مهاجرت کردند (Boyle, 2000, p. 64). علت اصلی جایگزینی واژه «بلوچستان» برای این خطه نفوذ قبایل بلوچ در منطقه و کمک‌های گسترده‌ای بود که سران این قبایل به نادرشاه کردند (Seyed Sajjadi, 2000, p. 91). گویش مردم بلوچی و از شاخه زبان‌های غربی ایران و با ریشه هندواروپایی است (Abolghasemi, 1995, p. 284). درباره فرهنگ و شیوه زندگی مردم بلوچ در متون تاریخی اطلاعات چندانی ثبت نشده است. کهن‌ترین منابع در این خصوص منابع فارسی و عربی به‌جامانده از نخستین سده‌های اسلامی است. قوم بلوچ مردمی نیرومند توصیف شده‌اند که معیشت آن‌ها عمدتاً بر پایه دام‌پروری استوار بوده و در سکونتگاه‌هایی از جنس موی حیوانات، همچون خیمه‌های سنتی، زندگی می‌کرده‌اند. بلوچ‌ها تا چند دهه پیش نیز قبیله‌ای و عشیره‌ای زندگی می‌کردند و از طریق شبانی و کشاورزی زیست خود را سامان می‌دادند (Shahbakhsh, 1994, p. 10)، اما به تازگی بیشتر آن‌ها با تجارت و سرمایه‌گذاری در شرکت‌های داخلی و خارجی امرار معاش می‌کنند. کوچ‌نشینی آن‌ها همواره مانع تدوین فرهنگ مکتوبشان بوده است. طی چند دهه اخیر، نوعی زندگی نیمه‌کوچ‌نشینی دارند. «بلوچستان تا اواخر دوره قاجاریه فاقد شهرهای مبادلاتی و مناسبات اجتماعی شهری بوده است» (Ebrahimi, 2009, p. 72)، اما امروزه زندگی شهری نیز یکی از اشکال متداول زندگی بلوچ است. با ورود نیروهای نظامی حکومت پهلوی اول به بلوچستان در ۱۹۲۸ میلادی، شهرهایی به سبک جدید شکل گرفت که سبب تغییراتی در برخی ملاک‌ها و ارزش‌های اجتماعی شد. «عنصر "ذات" پایگاه اجتماعی بلوچ‌ها را تعیین می‌کند» (Borqei, 1957, p. 66). و از عوامل اصلی اتحاد آن‌ها است.

تحلیل جایگاه سوزن‌دوزی بلوچ در ماتریس مک‌کرچر-دو کراس و مدل فیلیپس

بر پایه مدل ماتریس مک‌کرچر-دو کراس، چهار وضعیت مفهومی برای عناصر فرهنگی در عرصه گردشگری تعریف می‌شود: وضعیت حداقلی، بازارمحور، ایدئولوژیک، نمادین (McKercher & du Cros, 2002). با اتکا به تحلیل اسنادی و در چارچوب این مدل، می‌توان چنین تفسیر کرد که سوزن‌دوزی بلوچ، با وجود غنای فرهنگی و پیوند با هویت قومی، هنوز در قالب تجربه گردشگری و سازوکارهای عرضه ملی و بین‌المللی به‌طور گسترده صورت‌بندی نشده

✓ چشم‌اندازهای فرهنگی زنده: اتحادیه جهانی حفاظت از طبیعت: یکی از مهم‌ترین مفاهیم در این چارچوب دسته‌بندی «اتحادیه بین‌المللی حفاظت از طبیعت»^۱ از طبیعت با عنوان «مناظر و چشم‌اندازهای حفاظت‌شده-رده پنجم»^۲ است؛ فضاهایی که در اثر تعامل بلندمدت و پویای میان انسان و طبیعت شکل گرفته‌اند و در آن‌ها مؤلفه‌های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و زیست‌محیطی به‌شکلی هم‌افزا در کنار یکدیگر قرار دارند (Phillips, 2003, pp. 28-30). فیلیپس تأکید می‌کند که حفاظت در این مناطق به معنای حفظ شیوه‌های سنتی زندگی، تقویت هویت‌های محلی و ارتقای اقتصادهای بومی در قالب توسعه پایدار است. این رویکرد، با پذیرش پویایی و انعطاف در تعریف حفاظت، جایگاه ویژه‌ای در ادبیات معاصر برنامه‌ریزی میراث فرهنگی، گردشگری پایدار و سیاست‌های منطقه‌ای یافته است (ICOMOS, 2019; UNESCO, 2020).

در چارچوب مدل فیلیپس، سوزن‌دوزی بلوچ را می‌توان بخشی از یک چشم‌انداز فرهنگی زنده دانست که در بستر بلوچستان شکل گرفته است و ابعاد هویتی، اجتماعی و معیشتی را بازنمایی می‌کند. ماتریس مک‌کرچر-دو کراس نیز امکان «جایگاه‌یابی» این هنر را در نسبت با ارزش فرهنگی و سطح ارائه/جاذبه گردشگری فراهم می‌سازد. از این‌رو، تلفیق دو چارچوب منطقی و کاربردی است؛ زیرا ماتریس وضعیت و مسیرهای احتمالی ارتقای جایگاه را صورت‌بندی می‌کند و مدل فیلیپس الزامات حکمرانی، مشارکت و شیوه ارائه برای حرکت در آن مسیر را تفسیر می‌نماید. بر این اساس، می‌توان پیشنهاد کرد که با تقویت ارائه، روایت‌پردازی و مشارکت اجتماعی، ظرفیت‌گذار به سوی وضعیت «نمادین» در این ماتریس قابل طرح باشد.

خاستگاه تاریخی و فرهنگی قوم بلوچ

قوم بلوچ از تبار آریایی‌اند (Seyed Sajjadi, 1995, p. 55). کتیبه‌های بیستون و تخت جمشید از قدیمی‌ترین اسنادی است که به این سرزمین اشاره کرده و از بلوچستان با نام‌های «ماکا» یا «مک» یاد کرده است. این سرزمین چهاردهمین ایالت هخامنشی به شمار می‌رفته است. در دوره سلجوقیان، اقوام بلوچ از نواحی کرمان به شرق و داخل مکران و بلوچستان کنونی

1. IUCN: International Union for Conservation of Nature) is a global authority on nature conservation and protected area classification

2. Protected Landscapes and Seascapes - Category V



و بازنمایی آن در فضای گردشگری محدود است. بر این اساس، در سطح مفهومی می‌توان پیشنهاد کرد که جایگاه آن در ماتریس مک کرچر-دو کراس به وضعیت

«ایدئولوژیک» نزدیک است؛ یعنی ارزش فرهنگی بالا، اما بهره‌برداری گردشگری، اقتصادی و رسانه‌ای همچنان محدود باقی می‌ماند (جدول ۳).

جدول ۳: تحلیل جایگاه سوزن دوزی بلوچ در چارچوب ماتریس فرهنگی گردشگری مک کرچر-دو کراس

جایگاه سوزن دوزی بلوچ (McKercher & du Cros, 2002)	جاذبه گردشگری	ارزش فرهنگی	وضعیت
خارج از این وضعیت؛ زیرا از نظر فرهنگی دارای اصالت و پیوند با هویت قومی است.	پایین ↓	پایین ↓	حداقلی (Minimal)
خارج از این وضعیت؛ با وجود جذابیت بصری، اما بدون ورود به بازار گردشگری به علت ضعف معرفی	بالا ↑	پایین ↓	بازارمحور (Market-Driven)
در چنین وضعیتی قرار می‌گیرد؛ با ارزش فرهنگی بالا، اما نیازمند بازنمایی هدفمند در گردشگری	پایین ↓	بالا ↑	ایدئولوژیک (Ideological)
در مسیر رسیدن به این وضعیت؛ نیازمند تثبیت فرهنگی و جذاب‌سازی گردشگری بر پایه چهار گام مدل فیلیپس	بالا ↑	بالا ↑	نمادین (Symbolic)

مکانیزه‌سازی عرضه و تسهیل دسترسی روستاییان به فروش مستقیم، همراه با حمایت مالی و نظارت دولتی، می‌تواند با کاهش نقش واسطه‌ها عرضه بی‌واسطه محصولات بومی و پایداری اقتصادی را تقویت کند (Avishi et al., 2023, p. 78). در این چارچوب، پایش این رویکرد با شاخص‌هایی مانند تعداد کارگاه‌های رسمی، میزان تثبیت اشتغال و روند تولید داخلی قابل پیگیری است. در بعد اجتماعی، توانمندسازی زنان سوزن‌دوز از طریق تعاونی‌های محلی، انتقال دانش میان‌نسلی و پشتیبانی سازمان‌های مردم‌نهاد در حوزه آموزش، حقوق و منابع مالی می‌تواند با تقویت خودباوری، بهبود موقعیت اجتماعی، افزایش توان تصمیم‌گیری و توسعه مهارت‌های خلاق و درآمدزا زمینه پایداری فرهنگی و ارتقای سرمایه اجتماعی را فراهم سازد؛ زیرا، در برخی پژوهش‌ها، مشارکت اقتصادی زنان با پیامدهایی مانند درآمدزایی، الگو شدن، مواجهه با چالش‌های جدید و تقویت استقلال اجتماعی همراه دانسته شده است (Goyal & Parkash, 2011). در این میان، سازمان‌های مردم‌نهاد با ارائه آموزش‌های حقوقی، مالی و حرفه‌ای می‌توانند نقش پشتیبان داشته باشند. تعامل دانشگاه‌ها و کارگاه‌های محلی و اجرای پروژه‌های نوآورانه مشترک نیز می‌تواند به‌روزرسانی طراحی‌ها و امکان‌پذیر شدن تولید برخی محصولات تلفیقی را تقویت کند (Singh & Singh,

سوزن‌دوزی بلوچ، به‌عنوان هنری ریشه‌دار در تاریخ، هویت قومی، نظام زیبایی‌شناسی بومی و سنت‌های زنانه، دارای ظرفیت فراوانی برای ارتقا به وضعیت «نمادین» است؛ جایگاهی که هم ارزش فرهنگی و هم جاذبه گردشگری در سطح بالا قرار دارند. در این مسیر، بهره‌گیری از مدل پارادایمی فیلیپس چارچوب نظری مکمل و کاربردی مؤثری خواهد بود. این مدل، با تأکید بر چهار مؤلفه کلیدی در حفاظت پایدار از میراث فرهنگی ناملموس، امکان تحلیل راهبردی فرایند زنده‌سازی و ارتقای موقعیت چنین پدیده‌هایی را فراهم می‌سازد. در ادامه، با رویکردی تحلیلی و مبتنی بر پایه تحلیل نظری-مفهومی این پژوهش، نسبت این چهار مؤلفه با وضعیت فعلی و قابلیت‌های ارتقایی سوزن‌دوزی بلوچ تبیین خواهد شد.

نقش مشارکت چندبازیگری در احیای

سوزن‌دوزی بلوچ: بر اساس مدل پارادایمی فیلیپس، تحلیل نظری نشان می‌دهد که همکاری میان نهادهای دولتی، انجمن‌های محلی، مراکز علمی، سازمان‌های مردم‌نهاد و بسترهای بازار، از طریق حکمرانی مشارکتی و ظرفیت‌سازی، می‌تواند زمینه‌ساز پیوندی مؤثر میان حفظ اصالت فرهنگی و پایداری اقتصادی باشد (Nasrolahi et al., 2022). در سطح سیاست‌گذاری کلان، راهکارهایی مانند اختصاص یارانه‌های هدفمند،



مشروعیت‌بخش این میراث را تقویت کند. اسناد یونسکو نیز بر این نکته تأکید دارند که مشارکت جوامع محلی و تداوم کنش‌های اجتماعی فرهنگی برای حفاظت مؤثر از میراث زنده ضروری است (UNESCO, 2003, 2019). روی هم رفته، هم‌راستایی سه سطح حکمرانی می‌تواند ظرفیت تبدیل سوزن‌دوزی بلوچ به نمادی فرهنگی، اقتصادی و حتی دیپلماتیک را بهبود بخشد.

پیوند سوزن‌دوزی با توسعه پایدار فرهنگی و معیشتی: پیوند سوزن‌دوزی بلوچ با توسعه پایدار فرهنگی و معیشتی را می‌توان در چارچوبی تبیین کرد که در آن، هویت فرهنگی و اقتصاد محلی و زیبایی‌شناسی محصول، از طریق تنوع‌بخشی به سبد تولید و ادغام سنجیده سنت با طراحی معاصر و در قالب همکاری میان طراح و هنرور، تقویت شود (Li et al., 2025; Tung, 2012). گسترش دامنه تولید از اقلام سنتی به محصولاتمانند پوشاک ترکیبی، کیف، روسری و آثار تزئینی، علاوه بر توسعه سبد مصرف، ظرفیت رقابت‌پذیری در بازارهای داخلی و خارجی را افزایش می‌دهد. در این مسیر، بازنگری در طراحی بصری و بسته‌بندی، همراه با تلفیق نوآوری و سنت، یکی از مؤلفه‌های مهم برای افزایش جذابیت و بهبود امکان فروش است (Avishi et al., 2023, p. 77). برخی پژوهش‌ها درباره اقتصاد خلاق دلالت دارند که تنوع‌بخشی می‌تواند هم‌زمان ارزش ادراکی محصول و دسترسی به بازارهای تازه را افزایش دهد. همچنین، کوتاه‌سازی زنجیره تأمین و فروش مستقیم از طریق پلتفرم‌های دیجیتال، با کاهش هزینه‌های واسطه‌گری، زمینه را برای بهبود بهره‌مندی اقتصادی تولیدکنندگان و ارتقای عدالت در زنجیره ارزش فراهم می‌سازد. در این راستا، اقداماتی مانند ایجاد تعاونی‌های تخصصی زنان سوزن‌دوز، راه‌اندازی درگاه‌های برخط فروش و توانمندسازی در بازاریابی دیجیتال گزینه‌هایی اجرایی‌اند که زمینه را برای داده‌محوری، قیمت‌گذاری هوشمند و مدیریت موجودی فراهم می‌کنند. برای پایش اثربخشی این اقدامات نیز می‌توان از شاخص‌هایی مانند سهم فروش مستقیم، روند تغییرات درآمد هنرمندان و کاهش هزینه‌های مبادله استفاده کرد (UNCTAD, 2022, 2024). در بازاریابی محصولات سنتی زنان بلوچ، روایت‌پردازی درباره خاستگاه فرهنگی و هویت قومی، طراحی بسته‌بندی‌های حرفه‌ای و بهره‌گیری هدفمند از رسانه‌های دیجیتال در معرفی محصول، در برخی پژوهش‌ها به‌عنوان عوامل اثرگذار بر ارتقای ارزش فرهنگی و افزایش جذابیت برای بازار هدف مطرح

است (2025). در بخش بازار، توسعه گردشگری مشارکتی و فروش مستقیم از طریق پلتفرم‌های دیجیتال و مشارکت جامعه محلی، می‌تواند به افزایش آگاهی عمومی و گسترش بازار سوزن‌دوزی بلوچ کمک کند. این رویکرد، در صورت اتکا به محتوای دیجیتال مناسب و تجربه تعاملی، ظرفیت تقویت برند فرهنگی را دارد (Seocanac et al., 2024) و با کاهش واسطه‌گری می‌تواند زمینه توانمندسازی اقتصادی و بهبود درآمد تولیدکنندگان بومی را فراهم سازد (Suranto, 2025).

حکمرانی چندسطحی برای تقویت جایگاه گردشگری: حکمرانی چندسطحی، با تقسیم مسئولیت‌ها میان سطوح محلی، ملی و بین‌المللی و ترکیب سیاست‌گذاری از بالا با مشارکت مردمی از پایین، می‌تواند زمینه هم‌افزایی میان کنشگران متنوع را فراهم کند و از منظر تحلیلی، دلالت‌هایی برای حرکت سوزن‌دوزی بلوچ به سمت وضعیت «نمادین» در ماتریس مک‌کرچر-دو کراس ارائه دهد. در برخی پژوهش‌ها، تحقق توسعه منطقه‌ای در ایران به ضرورت انسجام میان سطوح حکمرانی و همسویی سیاست‌های ملی وابسته دانسته شده است (Kaidenzhad et al., 2020). در سطح محلی، نهادهایی مانند شهرداری‌ها و تعاونی‌های زنان روستایی، با تقویت زیرساخت‌های تولید، آموزش و عرضه و هم‌راستایی با منطق زنجیره ارزش، می‌توانند زمینه را برای بهبود حاشیه سود و افزایش مشارکت اجتماعی زنان فراهم سازند (Siddiq & Kakar, 2017). اقداماتی مانند تأسیس بازارچه‌های دائمی، کارگاه‌های بین‌نسلی و آموزش‌های عمومی گزینه‌هایی اجرایی‌اند، که می‌توان آن‌ها را با شاخص‌هایی مانند تعداد بازارچه‌ها، حجم فروش و میزان مشارکت اجتماعی پایش کرد. در سطح ملی، نیز، نهادهایی مانند وزارت میراث فرهنگی، صداوسیما و مراکز آموزش عالی می‌توانند با برنامه‌های درسی، تولید مستند و حضور در نمایشگاه‌ها نقش پشتیبان داشته باشند، که با شاخص‌هایی مانند میزان پوشش رسانه‌ای و روند تغییرات تولید می‌شود آن‌ها را ارزیابی کرد. در سیاست‌گذاری گردشگری فرهنگی، نیز مؤلفه‌هایی چون اصالت، آگاهی فرهنگی، توانمندسازی و پایداری فرهنگی شاخص‌های مطرح مهم‌اند (Gaonkar & Sukthankar, 2025). در سطح بین‌المللی، اقداماتی مانند حضور در فستیوال‌های جهانی صنایع دستی، پیگیری ثبت سوزن‌دوزی بلوچ در فهرست میراث ناملموس یونسکو و گسترش تعاملات فرهنگی میان ملت‌ها می‌تواند جنبه‌های هویتی و



شده‌اند (Khazaei & Mounesi-Sorkheh, 2024).

چشم‌اندازهای فرهنگی زنده و بازنمایی تجربه‌محور: فیلیپس، در چارچوب نظری «مناظر و چشم‌اندازهای حفاظت‌شده-رده پنجم»، بر این اصل تأکید دارد که میراث فرهنگی زنده در پیوند با بسترهای طبیعی، اجتماعی و زیسته معنا می‌یابد (Phillips, 2003, p. 28). از این منظر، اگر حفاظت از یک عنصر فرهنگی مانند سوزن‌دوزی به‌صورت انتزاعی و جدا از زمینه‌های اکولوژیکی و فرهنگی آن پیگیری شود، ممکن است ناکافی باشد و احتمال گسست معنا و تضعیف برخی کارکردهای اجتماعی آن را افزایش دهد. این رویکرد، به‌جای تمرکز صرف بر حفاظت فیزیکی یا نمادین، بر بازسازی و تداوم زمینه‌های پویا، تجربه‌محور و مشارکتی تأکید می‌کند. به‌کارگیری الگوی فرهنگی اجتماعی مشارکتی در مدیریت چشم‌اندازها، مطابق برخی پژوهش‌ها، هم به حفاظت مؤثر کمک می‌کند و هم ظرفیت تقویت پویایی زیست‌فرهنگی را فراهم می‌سازد (Brown et al., 2005, pp. 3-18). در این چارچوب، سوزن‌دوزی بلوچ را می‌توان فراتر از یک مهارت فنی و به‌مثابه بخشی از منظومه زیست‌فرهنگی منطقه درک کرد. این نگاه کل‌نگر نشان می‌دهد که پیوند میان حافظه جمعی و کنش‌های فرهنگی قابل تقویت است. از منظر ارائه تجربه‌محور، راهکارهایی مانند کارگاه‌های مشارکتی، بازنمایی زنده پوشاک سنتی و روایت‌پردازی درباره فرایند تولید گزینه‌هایی قابل طرح‌اند. همچنین، «مدرن‌سازی مسئولانه»، با تلفیق سنجیده عناصر نو و اصول بومی، ظرفیت ارتباط با مخاطبان معاصر و پویایی فرهنگی سوزن‌دوزی را تقویت می‌کند.

نتیجه‌گیری

سوزن‌دوزی زنان بلوچ حامل ارزش‌های زیبایی‌شناختی، فرهنگی و هویتی است. تحولات معاصر، غلبه تولید صنعتی و گسست میان تولید سنتی و بازار مدرن تداوم اجتماعی و جایگاه این هنر را با چالش روبه‌رو کرده است. در این پژوهش، ماتریس گردشگری فرهنگی مک‌کرچر-دو کراس و مدل پارادایم فیلیپس دو چارچوب مکملی است که در تحلیل مفهومی به کار گرفته شده است. تحلیل نظری نشان می‌دهد که ماتریس مک‌کرچر-دو کراس را می‌شود برای صورت‌بندی جایگاه سوزن‌دوزی بلوچ در تجربه گردشگری فرهنگی و درک نسبت آن با ارزش فرهنگی و جذابیت گردشگری به کار برد؛ همچنین،

مدل فیلیپس می‌تواند برای تفسیر الزامات حکمرانی، مشارکت و شیوه ارائه میراث زنده در مسیر ارتقای جایگاه چارچوبی راهنما فراهم کند. بر این اساس، چهار محور تحلیلی استخراج می‌شود: ۱) مشارکت چندبازیگری، با ایجاد هم‌افزایی میان ذی‌نفعان دولتی، اجتماعی، دانشگاهی و تجاری، زمینه هماهنگی منابع دانش، سرمایه و شبکه‌های توزیع را فراهم می‌سازد. ۲) حکمرانی چندسطحی نشان می‌دهد که همسویی سیاست‌ها در سطوح خرد، میانی و کلان از گسست نهادی میان تولید بومی و عرضه در سطوح ملی و فراملی می‌کاهد. ۳) پیوند با توسعه پایدار نشان می‌دهد که تنوع‌بخشی به محصولات، بهینه‌سازی زنجیره تأمین و قیمت‌گذاری طبقه‌بندی‌شده ظرفیت بهبود پایداری درآمد تولیدکنندگان و کاهش هزینه‌های مصرف‌کننده را دارد، بی‌آنکه ادعای قطعی درباره پیامدهای اقتصادی مطرح شود. ۴) چشم‌اندازهای فرهنگی زنده، با محوریت تجربه‌محوری، این امکان را طرح می‌کند که سوزن‌دوزی از نمایشی ایستا به زیست فرهنگی پویا نزدیک شود و از طریق روایتگری فرهنگی، طراحی مشارکتی، بازاربازی دیجیتال و مشارکت محلی، ظرفیت دیده شدن و تداوم آن را تقویت می‌کند. از منظر کاربردی، این چارچوب تلفیقی نقشه راهی مفهومی برای فعالان و سیاست‌گذاران فرهنگی/گردشگری خواهد بود؛ به‌ویژه در جهت هماهنگ‌سازی کنشگران، بهبود شیوه ارائه و تقویت روایتگری فرهنگی در زنجیره ارزش. باین حال، هدف از این پژوهش ارائه راهکار اجرایی قطعی نیست، بلکه صورت‌بندی مفهومی مسیرهای ممکن و الزامات آن‌ها است.

سهم نظری پژوهش این است که، با تلفیق «جایگاه‌یابی تجربه گردشگری فرهنگی» در ماتریس مک‌کرچر-دو کراس و «تفسیر الزامات حکمرانی و ارائه میراث زنده» در مدل فیلیپس، چارچوب مفهومی یکپارچه‌ای برای تحلیل صنایع دستی ناملموس در گردشگری فرهنگی پیشنهاد می‌کند؛ چارچوبی که پیوند میان سطح تجربه/بازار گردشگری و سطح حکمرانی/پایداری میراث را هم‌زمان و منسجم توضیح می‌دهد و به توصیف اهمیت یا توصیه‌های پراکنده محدود نمی‌ماند.

نبود داده‌های میدانی (مصاحبه، مشاهده، پیمایش یا تحلیل بازار) از محدودیت‌های این پژوهش به شمار می‌رود، که موجب می‌شود نتایج در سطح دلالت‌های مفهومی باقی بماند و قابلیت آزمون تجربی یا تعمیم آماری نداشته باشد. پیشنهاد می‌شود پژوهش‌های



موسسه آبی پارسی: انتشارات پل فیروزه.

شهبخش، عظیم (۱۳۷۳). پژوهشی در تاریخ معاصر بلوچستان. شیراز: نوید شیراز.

کایدنژاد، رضا، پیشگاه هادیان، حمید، بلندیان، غلامحسین و درویش‌پور، حجت‌اله (۱۳۹۹). تحلیلی بر جایگاه توسعه منطقه‌ای در سیاست‌های کلان جمهوری اسلامی ایران. مطالعات راهبردی بسیج، ۲۳(۸۸)، ۵-۴۲. https://bsrq.cuir.ac.ir/html/129096_article

کشاوری، گلناز و جواد، شهره (۱۳۹۸). انتزاع نمادین در زیبایی‌شناسی هنر بلوچستان، نمونه موردی: سوزن‌دوزی بلوچ. باغ نظر، ۱۶(۷۹)، ۵-۱۴. <https://doi.org/10.22034/bagh.2019.136223.3638>

مک‌کرچر، باب و دو کراس، هیلاری (۱۳۹۸). گردشگری فرهنگی. ترجمه محمدعلی گوهریان و مهدی خدابخشی. تهران: شرکت چاپ و نشر بازرگانی.

میرزایی، فاطمه و مافی تبار، آمنه (۱۴۰۲). تحلیل و طبقه‌بندی موضوعی انواع نقش در سوزن‌دوزی بلوچ بر اساس اسلوب هنرهای سنتی. دوفصلنامه دانش‌های بومی ایران، ۱۰(۱۹)، ۴۹-۸۶. <https://doi.org/10.22054/qjik/10/19/49-86>

مهاجر، بشری، پورفرج، اکبر و پورجهان، ساره (۱۴۰۳). بررسی اثر توانمندسازی جامعه محلی بر توسعه گردشگری میراث در سایت جهانی منظر فرهنگی هورامان. جامعه‌شناسی فرهنگ و هنر، ۶(۲)، ۵۷-۷۷. <https://doi.org/10.22034/scart.139095/1311>

References

- Abolghasemi, M. (1995). *History of the Persian [In Persian]. Language*. Tehran: SAMT
- Ahmadi-Amin, F., Kord, E., & Nazqolichi, B. T. (2015). The Role of Baluch Women's Handicrafts in the Development of Rural Tourism (A Case Study of Nowkabad

آینده، با مطالعات میدانی و شاخص‌گذاری عملیاتی (سنجش تجربه گردشگران، ارزیابی زنجیره ارزش یا تحلیل حکمرانی محلی)، این چارچوب را اعتبارسنجی و کاربردی کنند.

منابع فارسی که معادل لاتین آن‌ها در فهرست منابع آمده است:

آویشی، نگار، حسین‌آبادی، زهرا و اسفندیاری، مرضیه (۱۴۰۲). نقش صنایع دستی بر میزان اشتغال‌زایی بانوان بلوچ و پیشبرد اقتصاد منطقه (مطالعه موردی: سوزن‌دوزی شهرستان ایرانشهر). پژوهش‌های ایران شناسی، ۱۳(۳)، ۶۱-۷۹. <https://doi.org/10.22059/org.1106.149277/3422>

ابراهیمی، مریم (۱۳۸۸). تحولات سیاسی و اجتماعی سیستان و بلوچستان در سال‌های ۱۳۲۰-۱۳۲۲. تهران: بخارا.

ابوالقاسمی، محسن (۱۳۷۳). تاریخ زبان فارسی. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).

احمدی امین، فاطمه، کرد، ادریس و نازقلیچی، بی‌بی طیبه (۱۳۹۴). نقش صنایع دستی زنان بلوچ در توسعه گردشگری روستایی مطالعه موردی: بخش نوک‌آباد شهرستان خاش. دومین کنفرانس بین‌المللی توسعه پایدار، راهکارها و چالش‌ها با محوریت کشاورزی، منابع طبیعی، محیط زیست و گردشگری، تبریز، <https://civilica.com/doc/485482>

برقعی، محمد (۱۳۳۶). سازمان سیاسی حکومت بُنت (مجموعه بلوچستان). تهران: مازیار.

بوئل، جان اندرو (۱۳۷۹). تاریخ ایران: از آمدن سلجوقیان تا فروپاشی دولت ایلخانان. ترجمه حسن انوشه. تهران: انتشارات امیرکبیر.

خزائی، زهرا و مونس سرخه، مریم (۱۴۰۳). نظریه آمیخته بازاریابی بوریسوا در ارتقای ارزش پوشاک سنتی زنان بلوچ. سومین کنفرانس بین‌المللی پژوهش در حسابداری، مدیریت، اقتصاد و علوم انسانی. <https://civilica.com/doc/4185350>

سیدسجادی، منصور (۱۳۹۸). هشت گفتار درباره باستان‌شناسی و تاریخ بلوچستان. تهران: تهران:

heliyon.2025.e42514

Goodrich, J. (1997). Marketing heritage sites for cultural tourists. *Journal of Travel & Tourism Marketing*, 6(1), 1-17. https://doi.org/10.1300/J073v06n01_01

Goyal, M., & Parkash, J. (2011). *Women entrepreneurship in India - Problems and prospects. International Journal of Multidisciplinary Research*, 1(5), 195-207

Hall, C. M., & Seyfi, S. (2020). Conclusion: The futures of cultural heritage tourism in the MENA countries. In *Cultural and Heritage Tourism in the Middle East and North Africa: Complexities, Management and Practices* (pp. 239-252). Routledge. <https://doi.org/10.4324/9780429279065-15>

Hughes, H. L. (1996). Redefining cultural tourism. *Annals of Tourism Research*, 23(3), 707-709. [https://doi.org/10.1016/0160-7383\(95\)00099-2](https://doi.org/10.1016/0160-7383(95)00099-2)

ICOMOS. (2019). *Principles for the conservation of landscapes*. International Council on Monuments and Sites. <https://www.icomos.org/en/resources/charters-and-texts/547-principles-for-the-conservation-of-landscapes>

Kaidenzhad, R., Pishgah-Hadian, H., Bolandiyan, G., & Darvishpour, H. (2020). An analysis of the place of regional development in the macro policies of the Islamic Republic of Iran. *Basij Strategic Studies*, 23(88), 5-42. https://bsrq.cuir.ac.ir/article_129096.html?lang=en [In Persian].

Keshavarz, G., & Javadi, S. (2019). Symbolic Abstraction in the Aesthetics of Baluchistan Art, A Case Study of Baluchi People's Needlework. *The Monthly Scientific Journal of Bagh-e Nazar*, 16(79), 5-14. <https://doi.org/10.1016/j>

District, Khash County). *2nd. International conference on sustainable development, strategies and challenges With a focus on Agriculture, Natural Resources*, <https://civilica..Environment and Tourism com/doc/485482> [In Persian]

Avishi, N., Hosseinabadi, Z., & Esfandiari, M. (2023). The role of handicrafts on the level of employment of Baloch women and the advancement of the region's economy (case study: needlework of Iranshahr city). *Iranian Studies*, 13(3), 61-79. <https://doi.org/10.22059/JIS.2022.349277.1156> [In Persian].

Bargha'i, M. (1957). *The Political Structure of the Bont Government* (Baluchestan Collection). (Majmu'e-ye Baluchestan) [In Persian]. Tehran: Maziar

Brown, J., Mitchell, N., & Beresford, M. (2005). Protected landscapes: A conservation approach that links nature, culture and community. In J. Brown, N. Mitchell, & M. Beresford (Eds.), *The protected landscape approach: Linking nature, culture and community* (pp. 3-18). IUCN. <https://doi.org/10.2305/IUCN.CH.2005.2.en>

Buell, J. (2000). *History of Iran: From the Arrival of the Seljuks to the Collapse of the Ilkhanid State* (H. Anousheh, Trans.). [In Persian]. Tehran: Amir Kabir

Ebrahimi, M. (2009). *Political and Social Developments in Sistan and Baluchestan [In.during 1941-1943]*. Tehran: Bokhara Persian]

Gaonkar, S., & Sukthankar, S. V. (2025). Measuring and evaluating the influence of cultural sustainability indicators on sustainable cultural tourism development: Scale development and validation. *Heliyon*, 11(4), e42514, <https://doi.org/10.1016/j>





- Nasrolahi, A., Messina, V., & Gena, C. (2022). A model and tool for community engagement: Case study: Community engagement in the Bisotun World Heritage Site. In *Proceedings of the 14th AVI-CH Workshop on Advanced Visual Interfaces and Interactions in Cultural Heritag.* Rome, Italy, <https://www.researchgate.net/publication/364785195>
- Phillips, A. (2003). Turning ideas on their head: The new paradigm for protected areas. In *The George Wright Forum* (Vol. 20, No. 2, pp. 8-32). George Wright Society.
- Richards, G. (1996). *Exploring the dimensions of cultural tourism across Europe*. Wallingford: CABI Publishing
- Shahbakhsh, A. (1994). *A Study of the Contemporary History of Baluchestan*. [In Persian]..Shiraz: Navid-e Shiraz
- Seyed Sajjadi, S. M. (2019). *Eight Essays on the Archaeology and History of Baluchestan*. Tehran: Abi Parsi Institute; Pol-e Firouzeh Publishing. [In Persian]
- Seocanac, M., Đorđević, N., & Pantović, D. (2024). Cultural tourism in rural areas: Mapping research trends through bibliometric and content analysis. *Ekonomika poljoprivrede*, 71(1), 205-224. <https://doi.org/10.59267/ekopolj2401205s>
- Siddiq, M., & Kakar, B. (2017). Hand embellished fabrics - An adoptable potential to empower household women in Balochistan. *Balochistan Review*, 36(1), 283-294
- Singh, N., & Singh, M. (2025). Traditional embroidery revival for sustainability: A systematic literature review and bibliometric analysis. *Discover Sustainability*, 6(1), [org/10.22034/bagh.2019.136223.3638](https://doi.org/10.22034/bagh.2019.136223.3638) [In Persian]
- Khazaei, Z., & Mounesi-Sorkheh, M. (2024). Borisova's Marketing Mix Theory in Enhancing the Value of Traditional Baluch Clothing 3rd International Conference on Research in Accounting, Management, <https://civilica..Economics and Humanities> [In Persian] com/doc/2185350
- Li, H., Xue, T., Zheng, Z., Luo, X., & Huang, G. (2025). *The innovation of traditional handicrafts and cultural identity: A multidimensional value analysis using the DEMATEL-ISM method*. *PLOS ONE*, 20(5), e0322893. <https://doi.org/10.1371/journal.pone.0322893>
- McKercher, B., & du Cros, H. (2002). *Cultural tourism: Collaboration between tourism and the management of cultural heritage*. London: Routledge
- McKercher, B., & du Cros, H. (2019). *Cultural tourism* (M. E. Goharan & M. Khodabakhshi, Trans.). Tehran: Sherkat-e [In Persian]..Chap va Nashr-e Bazargani
- Mirzaei, F., & Mafi-Nia, A. (2023). Analysis and Thematic Classification of Motifs in Baluchi Needlework based on the Iranian Traditional Arts Model. *Indigenous Knowledge of Iran*, 10(19), 49-86. <https://doi.org/10.22054/qjik.2023.73115.1364> [In Persian].
- Mohajer, B., Pourfaraj, A., & Pourjahan, S. (2024). Investigation of the effect of local community empowerment on the development of heritage tourism in Hawraman World Heritage Site. *Sociology of Culture and Art*, 6(2), 57-77. <https://doi.org/10.22034/scart.2023.139095.1311> [In Persian].

safeguarding of the intangible cultural heritage. United Nations Educational, Scientific and Cultural Organization. <https://ich.unesco.org/en/convention>

UNESCO. (2019). *Operational directives for the implementation of the Convention for the Safeguarding of the Intangible Cultural Heritage*. United Nations Educational, Scientific and Cultural Organization. <https://ich.unesco.org/en/directives>

UNESCO. (2020). *Culture 2030 indicators*. United Nations Educational, Scientific and Cultural Organization. <https://en.unesco.org/culture2030indicators>

World Tourism Organization (UNWTO). (2012). *Tourism and intangible cultural heritage*. Madrid: UNWTO. <https://doi.org/10.18111/9789284413733>

World Tourism Organization (UNWTO). (2024). *Fashion, creativity and cultural tourism (In press)*. Madrid: UNWTO

Zabulis, X., Partarakis, N., Meghini, C., Dubois, A., Manitsaris, S., Hauser, H., Magnenat Thalmann, N., Ringas, C., Panesse, L., Cadi, N., Baka, E., Beisswenger, C., Makrygiannis, D., Glushkova, A., Padilla, B. E. O., Kaplanidi, D., Tasiopoulou, E., Cuenca, C., Carre, A.-L., ... Metilli, D. (2022). A representation protocol for traditional crafts. *Heritage*, 5(2), 716-741. <https://doi.org/10.3390/heritage5020040>

180. <https://doi.org/10.1007/s43621-025-00944-0>

Smith, M. K. (2020). The role of cultural tourism in supporting traditional crafts in rural communities. *International Journal of Heritage Studies*, 26(5), 489-504. <https://doi.org/10.1080/13527258.2020.1788382>

Suranto, J. (2025). Leveraging Indigenous resources: A digital communication framework for the Omah Wayang Tourism Village in Sidowarno. *Javanologi: International Journal of Javanese Studies*, 8(2), 155-169. <https://doi.org/10.20961/javanologi.v8i2.99145>

Tung, F.-W. (2012). Weaving with rush: Exploring craft-design collaborations in revitalizing a local craft. *International Journal of Design*, 6(3), 71-84. www.ijdesign.org/index.php/IJDesign/article/view/1077

UNCTAD. (2022). *Creative economy outlook 2022*. United Nations Conference on Trade and Development. <https://unctad.org/publication/creative-economy-outlook-2022>

UNCTAD. (2024). *Creative economy report 2024 (Preliminary)*. United Nations Conference on Trade and Development. <https://unctad.org/publication/creative-economy-report-2024>

UNESCO. (2003). *Convention for the*

